

گفت‌وگو با دکتر محمدعلی ایازی عضو هیئت علمی دانشگاه

دین داری و عقلانیت در مواجهه با کرونا

امید حسینی نژاد



یک سال و چند ماه از شیوع و پروس کرونا می گذرد. از ابتدای همه گیری این ویروس تاکنون تغییراتی اساسی در سبک زندگی بشر رخ داده و انسان موظف شده است برای مبتلانشدن به این بیماری راهکارهایی را عملی کند. کرونا تا امروز میلیون ها انسان را به کام مرگ کشانده و بحرانی عجیب برای بشر ایجاد کرده است. یکی از موضوع های مهم در بحران شیوع کرونا، تعطیلی مراکز دینی و مراسم مذهبی بود که حاشیه های فراوانی

به دنبال داشت. برخی تحلیلگران با تکیه بر دلالت های مانند مسئله رنج و شرور، اعتبار بالای علم و از طرفی دیگر توقف مناسک دینی جمعی وتعطیلی مراکز مذهبی، معتقدند که این شرایط موجب تضعیف باورهای دینی جامعه می شود،

در حالی که برخی دیگر مدعی هستند ناتوانی انسان و علم کنونی در برابر ویروس کرونا و اعتقاد به رحمت الهی می تواند به تقویت باورهای دینی منجر شود. در گفت وگو با دکتر محمدعلی ایازی، عضو هیئت علمی دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، به بررسی وضعیت دین داری در عصر پسا کرونا و ضرورت ارائه تفسیری عقلانی از دین در این دوران پرداخته ایم.

● ویروس کرونا یکی از اتفاقات مهم بشری است که زندگی بشر را بنیادین تغییر داده است. به نظر شما این تحولات در عرصه دین پژوهی و زندگی دین مداران چه تأثیراتی داشته است؟

ما در گذشته شاهد شیوع بیماری های مختلفی در زندگی بشری بوده ایم و هر کدام از این ها مشکلات فراوانی برای انسان ها به وجود آوردند. اما به چند دلیل در دوره معاصر این بیماری ها وضعیت خاص تری پیدا کرده اند. این دلایل عبارت اند از سرعت خبررسانی و رسیدن اطلاعات درباره این بیماری به سراسر دنیا، شیوع گسترده آن در همه دنیا و اینکه این بیماری به دلیل واگیرداری خاص آن تلفات بسیار زیادی در دنیا داشته است. این ویژگی ها درباره بیماری های واگیردار در طول تاریخ به این صورت نبوده است. باتوجه به وضعیت به وجود آمده، کرونا کانون بحث های اجتماعی گوناگونی بوده و ذهن فرهیختگان بسیاری را درگیر خود کرده است. از جمله این کانون ها دین و دین داری بوده است. سؤالات گوناگونی در مواجهه دین داران با این مسئله پدید می آید؛ اینکه نقش خداوند در مواجهه با این بیماری چیست؟ نسبت میان قوانین طبیعی و این بیماری چیست؟ آیا این ویروس به مثابه شر در نظام هستی است؟ و در نهایت اینکه دین چه راه حلی برای مبارزه با این بیماری دارد؟

ما قصد نداریم که وارد تبیین رویکرد فلسفی کرونا شویم و تحلیل کنیم که این گونه بیماری ها چه نسبتی با اراده

فعلی خداوند دارد. شخصیت های بسیاری از گذشته تا امروز درباره نظام هستی سخن گفته و در میان معاصران نیز افرادی به تحلیل و تبیین این موضوع پرداخته اند، مثل شهید مطهری در کتاب «عدل الهی» آنچه که به موضوع شرور می پردازد و مانند همه فلاسفه اسلامی قائل به شر در عالم نیست. ایشان با ادله روشن توضیح داده است که این مسائل جزو شرور نیستند، بلکه جزو ویژگی های نظام هستی و قانون حاکم بر علل هستند. بنابراین نمی خواهیم وارد این بحث فلسفی و کلامی شوم. اما اینکه نوع مواجهه دین داران با مسئله کرونا چگونه است، خود دارای نکته اساسی است: نخست اینکه نظام جهان

براساس اسباب و علل طبیعی بنا شده است و این نظام تابع مقررات خاص خودش است. ممکن است به دلیل اطلاعات کم بشر درباره این علل، بشر گاهی علت اصلی بلا یای طبیعی مثل زلزله و سیل و... را نمی دانسته است، اما با پیشرفت فناوری، علل اصلی به وجود آمدن این اتفاقات کشف شده است. کرونا نیز مانند این اتفاقات طبیعی سبب شده است زندگی بشر مختل شود، اما نکته مهم آنجاست که بشر برای مبارزه با این ویروس و مقابله با این بیماری از روش های علمی و عقلی بهره ببرد. در واقع کرونا نیز تابع نظام علی و معلولی دنیاست و مبارزه با آن نیز قانون و روش هایی ضابطه مند دارد؛ این گونه نیست که گفته شود شیوه مبارزه با آن در سرزمین های اسلامی با بلاد دیگر فرق داشته باشد. روش مبارزه و جلوگیری از شیوع این بیماری در بین مسلمانان و غیرمسلمانان هیچ فرقی ندارد و همه باید با تکیه بر روش های عقلانی و منطقی به مبارزه با آن بپردازند.

دین داران با گذشت زمان متوجه این مسئله شدند که راهی جز عقلانیت و استفاده از منطق علمی برای مبارزه با این بیماری نیست. نکته دوم اینکه وقتی شما دیدگاهی عقلانی و علمی در مواجهه با این بیماری به کار بردید، مخالف دیدگاهی است که این بیماری را قضا و قدر الهی به معنای عوامانه آن می داند و نقش بشر را در شیوع آن انکار می کند یا نقش و امکان عملی با آن را بی فایده می داند. به عنوان مثال فردی هیچ کدام از راهکارهای مقابله با این ویروس را جدی نمی گیرد و به این بیماری مبتلا می شود و سر آخر می گوید که قضا و قدر الهی بود و خداوند می خواست که من به این بیماری مبتلا شوم. این تفکر عوامانه و غلط است. این امر به هیچ عنوان پذیرفتنی نیست.

باید توجه کرد که

قضا و قدر الهی براساس اسباب و علل عالم ایجاد می شود و انسان می تواند به گونه ای معقول با قضا و قدر الهی روبه رو شود، با این بیماری مقابله کند و راه های علمی برای کم کردن ناپود کردن آن طی کند. چنان که فرموده است: «ای... آن جبری الامور إلا باسبابها» خداوند کارهای نظام هستی را براساس قوانین معین انجام می داد. نتیجه چنین دیدگاهی آن است که پدید آمدن این گونه بیماری ها تابع قوانین هستی است و از بین رفتن آن ها هم تابع همان قوانین است. نکته سوم این است که نقش دعا و ایمان در مواجهه با این بیماری چگونه است؟ آیا اعتقاد به خدا و ایمان به توحید می تواند در بهبود این اوضاع کمک کند؟ پاسخ به این سؤال مثبت است؛ دعا و پیوند با خدا می تواند در بهبود این بیماری کمک کند. بیمار امیدوار و بهتر از بیمار ناامید است. دعا و ارتباط با خدا ترس و یأس را از بین می برد. البته باید به این نکته توجه کرد که دعا جایگزین درمان نیست و اگر فردی به کرونا مبتلا شد و از راه علمی برای رفع بیماری استفاده نکرد و گفت من دعا می کنم تا خدا به من شفا عنایت کند، از دید عقلی و علمی پذیرفتنی نیست. با نگاهی به سیره امامان معصوم^(ع) می بینیم که حتی آن بزرگواران در مواقع ابتلا به بیماری به پزشک مراجعه می کردند. هنگامی که حضرت علی^(ع) توسط ابن ملجم مرادی ضربت خوردند، امام حسن^(ع) برای بهبودی ایشان پزشکی بر با لین آن حضرت آوردند، چنان که به دیگران هم توصیه می کردند. پس دعا به طبع سبب آرامش و اعتماد به نفس در وجود انسان می شود و برای بهبود، به انسان اطمینان و امید می بخشد.

● برخی از این ویروس به عنوان بلا یاد می کنند. به نظر شما با تکیه بر منابع دینی می توان این رخداد را ذیل این مفهوم بازتعریف کرد؟

هر اتفاقی در زندگی انسان که از مسیری غیرعادی ایجاد شود، به یک معنا بلاست. بلا نوعی آزمایش در زندگی انسان است. از این دید ما منکر بلابودن آن نیستیم. اما

بسا

ناشی از نوع رفتاری است که انسان و جامعه و نظام هستی سبب ایجاد آن شده است. اما مهم این است که در مواجهه با این بلا چگونه برخورد کنیم؟ فرض کنید اگر زلزله ای در منطقه ای رخ داد، یک برخورد آن است که به سر خودمان بزنیم و بگوییم چه کسی گناه کرده که سبب ایجاد چنین بلایی شده است؟ اما برخورد دیگر آن است که راه مبارزه با این بلا را بشناسیم و برای کمک به آسیب دیدگان قدم برداریم. شکی نیست که برخورد اول خارج از دایره عقلانیت و منطق دین داری عقلانی است. کرونا نوعی امتحان و آزمایش برای انسان است، اما این دلیل بر این نیست که نباید در برابر آن اقدام کرد. دانش اجتماعی و علمی بشر می تواند برای مواجهه و پیشگیری از آن قدم های مهمی بردارد، چنان که برداشته است. یکی از این روش ها واکسیناسیون است که اکنون یکی از بهترین راه برای مبارزه با این بیماری است.

این روش، روشی عقلانی است و بشر با تکیه بر روش های علمی به این نتیجه رسیده است، در حالی که در گذشته از روش های دیگری مانند قرنطینه استفاده می شد. اما در این زمینه نقش دین برای مواجهه و پیشگیری از این بیماری چیست؟ در مضامین دینی به کمک به هم نوعان و اطرافیان بسیار توجه شده است. این بیماری باعث شده است افراد آسیب پذیر بسیاری در جامعه به وجود بیایند. فرد دین دار باید برای کمک به هم نوع خود احساس مسئولیت کند و قدم های مهمی برای رسیدگی به اطرافیان خود بردارد.

● در برخی آیات قرآن کریم و روایات، از مفهومی با عنوان مشیت الهی یاد شده است. شیوع این بیماری را چگونه می توان با مشیت الهی تبیین کرد؟

ما در قرآن کریم آیاتی داریم که معنای آن ها مشیت است؛ مثلاً می گوید اگر خدای خواست این کار را نمی کردم یا اگر خدا بخواهد، مردم را امت واحد می کند و تعبیراتی از این قبیل. این آیات مشیت، از آن مواردی است که باید در حوزه دینی بازاندیشی و به معنایی تفسیر شود که این اتفاقات را در یک دستگاه منطقی و عقلانی قرار دهیم و بفهمیم که موضوع خواست و اراده خداوند چیست. وقتی قرآن کریم می فرماید خدا از آسمان آب فرستاد، باید دید این آیه را چگونه تفسیر می کنیم. می گوییم یعنی خدا در بالا ایستاد و آب را به سمت زمین گرفت؟ خیر. می گوییم خدا در فرایندی ابرها را فرستاد و به باران تبدیل شد یا خدا آهن را فرستاد، لباس را فرو فرستاد

و اینجا که می گوییم آهن را فرستاد، به این معنی نیست که خدا کارخانه ذوب آهن یا نساجی داشته باشد. حالا وقتی که قرآن می گوید مشیت خداست که این اتفاقات بیفتد، همه معنا و تفسیر اسباب و مسببی دارند و باید این آیات را بفهمیم که می خواهد چه بگوید. وقتی این را بد تفسیر می کنیم و نگاه و فهم درست را نداریم، به ناچار عده ای می گویند که با کرونا عذاب الهی آمده است. بنابراین اولین چیزی که باید درباره بازاندیشی روی آن تکیه کنیم، مسئله عقلانیت در تفسیر معارف است. ما باید بفهمیم وقتی خدا این نظام اسباب و مسببات را خلق کرده است، وقتی می گوید مشیت من این است، یعنی قانون من در نظام طبیعت این است و تدبیری که برای جهان گذاشتم چنین است. بنابراین مراد از مشیت همین قانونمندی در نظام طبیعت است و وقتی می گوید اگر خدا بخواهد شما را امت

واحد قرار می دهد، یعنی اینکه این یک قانون و قاعده دارد. حال چرا مردم اختلاف دارند؟ چون خدا در آفرینش مردم استعداد های گوناگون قرار داده، همان طور که طبیعت خاک و گچ، مس و نقره و طلا را متفاوت قرار داده است. از آن گذشته مردم در برخورد با مشکلات بیماری چیست؟ در مضامین دینی به کمک به هم نوعان و اطرافیان بسیار توجه شده است. این بیماری باعث شده است افراد آسیب پذیر بسیاری در جامعه به وجود بیایند. فرد دین دار باید برای کمک به هم نوع خود احساس مسئولیت کند و قدم های مهمی برای رسیدگی به اطرافیان خود بردارد.

● در برخی آیات قرآن کریم و روایات، از مفهومی با عنوان مشیت الهی یاد شده است. شیوع این بیماری را چگونه می توان با مشیت الهی تبیین کرد؟

ما در قرآن کریم آیاتی داریم که معنای آن ها مشیت است؛ مثلاً می گوید اگر خدای خواست این کار را نمی کردم یا اگر خدا بخواهد، مردم را امت واحد می کند و تعبیراتی از این قبیل. این آیات مشیت، از آن مواردی است که باید در حوزه دینی بازاندیشی و به معنایی تفسیر شود که این اتفاقات را در یک دستگاه منطقی و عقلانی قرار دهیم و بفهمیم که موضوع خواست و اراده خداوند چیست. وقتی قرآن کریم می فرماید خدا از آسمان آب فرستاد، باید دید این آیه را چگونه تفسیر می کنیم. می گوییم یعنی خدا در بالا ایستاد و آب را به سمت زمین گرفت؟ خیر. می گوییم خدا در فرایندی ابرها را فرستاد و به باران تبدیل شد یا خدا آهن را فرستاد، لباس را فرو فرستاد

● در برخی آیات قرآن کریم و روایات، از مفهومی با عنوان مشیت الهی یاد شده است. شیوع این بیماری را چگونه می توان با مشیت الهی تبیین کرد؟

ما در قرآن کریم آیاتی داریم که معنای آن ها مشیت است؛ مثلاً می گوید اگر خدای خواست این کار را نمی کردم یا اگر خدا بخواهد، مردم را امت واحد می کند و تعبیراتی از این قبیل. این آیات مشیت، از آن مواردی است که باید در حوزه دینی بازاندیشی و به معنایی تفسیر شود که این اتفاقات را در یک دستگاه منطقی و عقلانی قرار دهیم و بفهمیم که موضوع خواست و اراده خداوند چیست. وقتی قرآن کریم می فرماید خدا از آسمان آب فرستاد، باید دید این آیه را چگونه تفسیر می کنیم. می گوییم یعنی خدا در بالا ایستاد و آب را به سمت زمین گرفت؟ خیر. می گوییم خدا در فرایندی ابرها را فرستاد و به باران تبدیل شد یا خدا آهن را فرستاد، لباس را فرو فرستاد

شهریار

روزنامه شهرامید ورزش‌دگی

شنبه ۱۳۳۲ خردادماه ۱۳۳۲

SHAHRAHNEWS.IR

۱۳

اندیشه

درمذمت دورویی ودوزبانی

از کارکرد های مهم آیین و مناسک آن است که جامعه را به امر قدسی نزدیک می کند. به همین دلیل، مشارکت در آیین هایی که به مناسبت ولادت یا شهادت معصومان^(ع) برگزار می شود، به مشارکت کنندگان کمک می کند



دکتر مهرداد صادقی

عضو هیئت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب

از امام حسن عسکری^(ع) روایت شده است که: بش ا العبد عبد یکنوُ ذا وجهین و ذا لسانین، یعنی اخاه شاهد ا و یا کله غائباً، ا ن اعطی حسده، و ان ابتلی خذله. یعنی، بدآمدی است آنکه ۲۷هزار بار دارد، دوست و برادرش را در حضور، تعریف و تمجید می کند، ولی در غیاب و پشت سر بدگویی و مذمت می کند که مانند خوردن گوشت های بدن او محسوب می شود. چنین شخص دوچه‌ره‌ای اگر دوستش در آسایش و رفاه باشد، حسادت می ورزد و اگر در ناراحتی و سختی باشد، زخم زبان می زند. این حدیث در مذمت انسانی هایی است که دورو هستند و دوزبان دارند. این افراد از نظر به دیگران و جامعه آسیب می رسانند؛ از یک سو سبب عذاب الهی شده است. بنابراین اولین چیزی که باید درباره بازاندیشی روی آن تکیه کنیم، مسئله عقلانیت در تفسیر معارف است. ما باید بفهمیم وقتی خدا این نظام اسباب و مسببات را خلق کرده است، وقتی می گوید مشیت من این است، یعنی قانون من در نظام طبیعت این است و تدبیری که برای جهان گذاشتم چنین است. بنابراین مراد از مشیت همین قانونمندی در نظام طبیعت است و وقتی می گوید اگر خدا بخواهد شما را امت واحد قرار می دهد، یعنی اینکه این یک قانون و قاعده دارد. حال چرا مردم اختلاف دارند؟ چون خدا در آفرینش مردم استعداد های گوناگون قرار داده، همان طور که طبیعت خاک و گچ، مس و نقره و طلا را متفاوت قرار داده است. از آن گذشته مردم در برخورد با مشکلات بیماری چیست؟ در مضامین دینی به کمک به هم نوعان و اطرافیان بسیار توجه شده است. این بیماری باعث شده است افراد آسیب پذیر بسیاری در جامعه به وجود بیایند. فرد دین دار باید برای کمک به هم نوع خود احساس مسئولیت کند و قدم های مهمی برای رسیدگی به اطرافیان خود بردارد.

نقد باوری کلیشه‌ای درباره امامزادگان

در چند دهه گذشته، در نوشته های بسیاری از نویسندگان و پژوهشگران و پژوهشگر نمایان دیده شده است که مهاجرت گسترده سادات و امامزادگانی را که از جور خلفای اموی و عباسی به نقاط مختلف ایران پناهنده می‌برند، از عوامل گسترش تشیع در ایران به‌شمار آورده‌اند. صرف نظر از اینکه این مهاجرت ها چه میزان در گسترش تشیع در ایران نقش داشته است، که البته این موضوع باید جداگانه مطالعه و بررسی شود، به نظر می‌رسد تصور فرض مهاجرت گسترده سادات و امامزادگان به ایران به قصد پناهنه بردن آن ها از جور خلفای اموی و عباسی، با واقعیت های تاریخی چندان هم خوانی ندارد.



دکتر جواد حمدآبادی

تاریخ پژوه

در دیدی نیست که خلفای اموی و عباسی، به‌ویژه در دوران نخست خلافت خود، ظلم و ستم فراوانی بر علویان و طالییان روا داشته‌اند، اما گزارش‌ها اندکی از مهاجرت سادات علوی و طالیی به ناحیه ایران و خراسان، دست کم در ۲۰۰ سال نخست هجری وجود دارد و این مهاجرت ها، در این باز زمانی، به شکل عمده محدود به شماری از سادات قیام کننده مانند عبد... بن معاویه بن عبد... بن جعفر طیار، بجعی بن زید بن امامزین العابدین^(ع) و یحیی بن عبد... محض است. منابع انساب سادات، در کنار منابع دیگر تاریخی، آگاهی های فراوانی درباره مهاجرت های علویان و طالییان به دست می‌دهند. در این میان، کتاب منتقلة الطالیه، ابن طباطبای، چنان که عنوان آن نشان می‌دهد، جایگاه ویژه‌ای دارد و می‌توان آن را مهم ترین منبع تاریخی در مطالعه مهاجرت های سادات به شهرهای مختلف جهان اسلام در چند سده نخست هجری به‌شمار آورد. از سده سوم به بعد، سادات علوی و طالیبی مهاجرت های گسترده تری به ایران و خراسان و برخی نواحی دوردست داشته‌اند، اما با مطالعه کتاب منتقلة الطالیه می‌توان پی برد همان طور که برای مثال شهرهایی همچون قم، ری، بلخ و بخارا و مناطقی همچون طبرستان و دیلم شاهد ورود گسترده سادات بوده‌اند، بسیاری از شهرهای واقع در حوزه جغرافیایی نزدیک به مرکز خلافت نیز، همچون مصر (قاهره)، دمشق، رمله و حلب، از مقاصد مهم مهاجرت سادات در سده های سوم و چهارم رم بوده‌اند. نکته تأمل پذیر آنکه برخی از این شهرها، در دوره‌ای به نسبت زود هنگام، در مقایسه با ایران، مقصد مهاجرت برخی فرزندان بلا فصل ائمه^(ع) بوده‌اند، چنان که برای مثال خدیجه، دختر امام زین العابدین^(ع)، همراه با همسرش محمد بن عمر بن امام علی^(ع) در اواخر دوره اموی به دمشق، و اسحاق بن امام جعفر صادق^(ع) همراه با همسرش، نفیسه بنت حسن بن زید بن امام حسن^(ع)، در اواخر سده دوم به مصر مهاجرت کرده بودند.

سادات انگیزه های متعددی در مهاجرت به سرزمین های مختلف داشته‌اند و بسیار ساده انگارانه است که مهاجرت هایشان را فقط در عاملی همچون پناه بردن از جور خلفا و سلاطین خلاصه کرد. در سده سوم، مهاجرت سادات انقلابی و زیدی مذهب به ایران همچنان ادامه داشته است. امامی اندیم عراق، حجاز، مصر و یمن و سرزمین های دیگر نیز صحنه وقوع قیام های سادات بوده است و اتفاقاً آن هادر حوزه هایی همچون مغرب و شمال آفریقا، موفق به تشکیل حکومت هایی مقتدر شدند. بنابراین نمی‌توان برای ایران تمایز ویژگی خاصی در این زمینه قائل شد. واقعیت آن است که پیش فرض و ذهنیت فوق ناشی از تذکره نامه های سادات و بحر الانساب هایی است که پس از دوره ایلخانی به‌ویژه در دوره های صفوی و قاجار در ایران رواج یافت. در ادبیات این دست متون، بیشتر سادات مدفون در ایران، امامزادگانی معرفی شده‌اند که تحت تعقیب حاکمان و والیان خلیفه اموی یا عباسی به ایران مهاجرت کرده‌اند و به دنبال وقوع نبردهایی میان آن ها و امرای تحت فرمان خلیفه، گاه در حین نبرد و گاه پس از واقعه به شهادت رسیده‌اند.

یادداشت

یادداشت